

Spring and Summer 2024, 1 (1), 148- 157.

## Analyzing the causes and reasons for the split in Tudeh Party of Iran

Mohammad Reza Mortazavi 

1. Corresponding Author, MA in History of Islamic Revolution, Kharazmi University, ALBORZ, IRAN. E-mail: mahlamortazavi68@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p><b>Article type:</b> Research</p> <p><b>Article history:</b> Received: 14 December 2023 Accepted: 12 March 2024 Published online: 10 September 2024</p> <p><b>Keywords:</b> Street Movement, Split, Third force, Reformers, Meeting.</p>	<p>The most important goal of this article is to show the division and internal divisions of Tudeh Party of Iran and the role of leaders in the formation of divisions. The Tudeh Party officially started its work in 1320 under the leadership of Suleiman Eskandari. This party experienced many ups and downs during the Pahlavi II period and the Islamic Republic. During the coup d'état of August 28, 1332 and the fall of the Mossadegh government, the assassination of Mohammad Reza Shah at the University of Tehran and the propaganda activities against the Shah's regime in the 20s and 30s, traces of Tudeh's attitude and beliefs can be seen. The findings of the research show that the Soviet interference, especially in the issue of Azerbaijan, the demand for northern oil concessions by this country and the Tudeh party's demonstrations in favor of the Soviet Union in Iranian cities, created the basis for the internal division of the Tudeh Party of Iran and the party's patriots. The research method is descriptive-analytical and based on library resources.</p>

**Cite this article:** Mortazavi, Mohammad Reza. Initial. (2024). Analyzing the causes and reasons for the split in Tudeh Party of Iran, *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (1), 148-157.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2024.715473>

سال اول، شماره اول (پیاپی ۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ۱۴۸-۱۵۷.

## واکاوی علل و دلایل انشعاب در حزب توده ایران

محمدرضا مرتضوی<sup>۱</sup> ✉

۱. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه خوارزمی، البرز، ایران. رایانامه: mahlamortazavi68@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: ترویجی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳</p> <p>پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: جنبش خیابانی، انشعاب، نیروی سوم، اصلاح طلبان، جلسه.</p>	<p>نشان دادن انشعاب و اختلافات درونی حزب توده ایران و نقش رهبران در شکل‌گیری اختلافات مهم‌ترین هدف این نوشتار است. حزب توده از سال ۱۳۲۰ رسماً کار خود را با رهبری سلیمان اسکندری آغاز کرد. این حزب در دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی فراز و فرود زیادی را تجربه نمود. در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق، ترور محمدرضا شاه در دانشگاه تهران و فعالیت‌های تبلیغی علیه رژیم شاه در دهه ۲۰ و ۳۰ شمسی ردپایی از نگرش و باورهای حزب توده دیده می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دخالت‌های شوروی به ویژه در مسئله آذربایجان، تقاضای امتیاز نفت شمال توسط این کشور و تظاهرات حزب توده به نفع اتحاد جماهیر شوروی در شهرهای ایران، پایه انشعاب درونی حزب توده ایران و میهن پرستان حزب را به وجود آورد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است.</p>

استناد: مرتضوی، محمدرضا. (۱۴۰۳). واکاوی علل و دلایل انشعاب در حزب توده ایران. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۱). ۱۴۸-۱۵۷.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

## ۱. مقدمه

حزب توده ایران در مهرماه ۱۳۲۰ پس از اشغال ایران توسط متفقین شکل گرفت. این حزب در ابتدای کار از رهبران یکپارچه‌ای برخوردار نبود، اما به صورت منظم کنگره‌ها و جلسات و تظاهرات خیابانی‌اش برگزار می‌شد. بعد از مسئله آذربایجان و جنگ جهانی دوم که ارتش شوروی در ایران حضورش را ادامه داد و به دخالت در منطقه آذربایجان و جداسازی آن ایالت اقدام کرد، برای بعضی از اعضای حزب توده ایران مسجل شد که حزب توده، به دنبال تأمین منافع شوروی در ایران است. لذا به نظر می‌رسد که میهن پرستی و استقلال عده‌ای از رهبران این حزب سبب گردید تا از آن جدا شوند.

تاریخ معاصر ایران را می‌توان به عنوان عرصه تکاپو و تعارض دو جریان سیاسی و فرهنگی، مورد کاوش قرار داد. جریان اصالت‌گرا و مردمی که به طور عمده در نهضت روحانیت تبلور یافت و انقلاب اسلامی ایران ثمره سترگ تلاش آن بود. جریانی که بر حفظ کیان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این مرز و بوم تأکید داشت. جریان دوم، جریان غرب‌گرایانه چپ بود که در میان روشنفکران ایرانی مقیم قفقاز و متأثر از سوسیال دموکراسی روسیه قرار گرفت و بعد از انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷م به دولت شوروی وابستگی داشت و مارکسیسم و لنینیسم را به عنوان ایدئولوژی و مکتب سیاسی خود ترویج نمود؛ هر چند استعمار بریتانیا و امپریالیسم آمریکا کوشیدند تا در چهارچوب طرح‌های اطلاعاتی، سیاسی و فرهنگی خود از آن بهره‌برند. بحث پیرامون مارکسیسم ایرانی تنها یک ایدئولوژیک نیست بلکه مسئله از دیدگاه تاریخی، فرهنگی و شناخت کنش‌هایی که بر سرنوشت میهن اسلامی ما تأثیر گزارده است (حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی ۱۳۲۰-۱۳۶۸، ۱۳۸۷: ۱).

ایران در قرن بیستم شاهد رقابت برای کسب قدرت سیاسی میان سه گرایش اجتماعی، سیاسی بوده است. دین، ملی-گرایی و کمونیسم علیه حکومت مبارزه کرده و با ارائه تعریف خود از مواردی مانند پیشرفت، مدرن‌سازی، غرب‌گرایی، عدالت اجتماعی، استقلال ملی و حاکمیت مردم، به منظور سهم دهی به ملت، با یکدیگر به رقابت برخاسته‌اند و هر کدام راه حل خود را ارائه کرده‌اند، اما تنها دو گرایش نیروهای مذهبی و ملی‌گرایان فرصت یافتند به قدرت برسند. این دو گروه کوشیدند آرمان خود را عملی سازند. از این رو در میان این سه گرایش، مارکسیست‌های ایرانی، بیش از همه سرکوب شدند و در مجموع کوچک‌ترین پایگاه مردمی را دارا بودند. ملی‌گرایان، چه افراد روشنفکر و چه احزابی که به طبقات زمیندار و بورژوازی وابسته بودند، در موقعی دولت را در اختیار گرفتند.

برخی که با تمام وجود در انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ش و جنگ داخلی بعد از آن شرکت داشتند، در دوره رضاشاه پهلوی مجال عملی ساختن بسیاری از آن تغییراتی را می‌دیدند که به هنگام مخالفت با دربار قاجار در پی آن بودند، اما بسیاری دیگر در موضع مخالفت با رضاشاه باقی ماندند و حاضر به همکاری با رژیم می‌که به نظر آن‌ها فاقد استقلال ملی بود، نشدند. مارکسیست‌های ایرانی از زمان انقلاب مشروطه در صحنه سیاسی-اجتماعی ایران فعال بودند و همواره مخالفان، آن‌ها را از دستیابی به قدرت دولتی بازداشته و در مهار جنبش کمونیستی غالباً با بی‌رحمی و کارآمدی عمل کردند. اصطلاح کمونیسم در این پژوهش در مورد همه کسانی که کار می‌رود که طرفدار مارکسیسم و ایجاد یک دولت سوسیالیستی بر پایه الگوی بین‌الملل سوم کمونیستی و در صورت لزوم با استفاده از وسایل قهرآمیز بودند. مارکسیست‌های ایرانی به شدت تحت تأثیر تجربه انقلاب ۱۹۱۷م روسیه قرار داشتند.

در سال ۱۲۹۹ش حزب کمونیست، ایران را مطابق الگوی حزب بلشویک تأسیس کرد. در نتیجه اکثر مارکسیست‌های ایرانی با سوسیالیسم مبتنی بر بین‌الملل دوم که از الگوی سوسیال دموکراسی اروپای غربی برای سازماندهی طبقه کارگر طرفداری می‌کرد به مخالفت برخاستند. در دهه ۱۳۱۰ یک گروه کوچک روشنفکری، به رهبری دکتر تقی ارانی که به گروه ۵۳ نفر معروف شد، آرمان کمونیستی را در ایران را آغاز کرد. این گروه مرکب از روشنفکران دانش‌آموخته‌ای بود که به هنگام تحصیل در خارج یا در داخل ایران به مارکسیسم گرویده بودند. حزب توده عمده نیروی سیاسی مرتبط با مارکسیسم بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ بود که کمی بعد از بنیان‌گذاری به یکی از موثرترین نیروهای سیاسی کشور تبدیل شد (بهروز، ۱۳۵۴: ۲۵-۲۸). این حزب سرانجام پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ متلاشی شد.

## ۲. تاریخچه حزب توده ایران

اولین مجمع انتخابی حزب توده ایران کنفرانس اول تهران بود که در سال ۱۹۴۲م درست یکسال بعد از تأسیس حزب به طور کاملاً مخفی تشکیل شد. کمتر از ۹۰ نفر در این کنفرانس شرکت کردند. در دوره رضاشاه احزاب و سازمان‌های سیاسی و اتحادیه‌های صنفی و کارگری در نتیجه ضعف داخلی و فشار خردکننده استعمار و ارتجاع متلاشی شدند. گروه ۵۳ نفر به رهبری تقی ارانی که به ترویج جهان‌بینی علمی و پایه‌گذاری سازمانی مترقی و پیشرو می‌پرداختند، روانه زندان‌ها گردیدند. ورود نیروهای متفکین به ایران و سقوط دیکتاتوری رضاخانی سیمای اجتماع ایران را دگرگون کرد. زندانیان سیاسی آزاد شده و حزب توده ایران به عنوان تنها حزب آزادی‌خواه و مترقی کشور با شرکت عده‌ای از آزادی‌خواهان و میهن‌پرستان اعم از کمونیست‌ها، سوسیال دموکرات و ضدفاشیست‌ها و

مخالفین دیکتاتوری رضاخان خواستار آزادی‌های دموکراتیک شدند (جامی، ۱۳۶۳: ۱۴۷-۱۵۷).

بنیان‌گذاران حزب توده پس از راه‌اندازی و تثبیت تشکیلات خود، تصمیم گرفتند برای گسترش و یازگیری اعضای جدید با دکتر محمد مصدق برای تصدی دبیرکل وارد مذاکره شوند. به رغم آنکه مصدق این پیشنهاد را نپذیرفته بود، اما مناسبات حزب توده و مصدق مناسبات نزدیکی بود. رهبران حزب، دکتر مصدق را به عنوان یک رجل سیاسی ملی و ملی محدود در چارچوب تمایلات طبقاتی سرمایه‌داران و مالکان ملی به حساب می‌آورد. اختلاف نظر اساسی حزب توده و مصدق به فعالیت امپریالیسم آمریکا در ایران باز می‌گردد. این اختلاف در ارزیابی، ماهیت و سیاست امپریالیسم آمریکا بین حزب توده و مصدق تا وقتی که سیاست آمریکا در ایران وارد مرحله تعیین‌کننده‌ای نشده بود، نمی‌توانست مناسبات مثبتی را که بر اثر توافق دیدگاه‌های حزب و مصدق در زمینه مبارزه با نهادهای استبدادی و تأمین آزادی‌ها وجود داشت تحت الشعاع قرار دهد. ولی در لحظه‌ای که سیاست امپریالیسم آمریکا به عنوان تعیین‌کننده در تجدید بردگی استعماری ملت وارد میدان عمل گردید، این اختلاف در ارزیابی به صورت یک عامل جدی در آمد. ارزیابی نادرست دکتر مصدق در مورد امپریالیسم آمریکا به انقلاب ضد امپریالیستی ملت صدمه جبران‌ناپذیری وارد ساخت. حزب توده بر اثر کم‌تجربگی و جوانی بر پایه ارزیابی نادرست و غیرواقع‌بینانه مرتکب اشتباه بزرگی شد و نتوانست در یک مرحله مهم تاریخی آن طور که شایسته بود نقش تاریخی خود را ایفا کند (کیانوری، ۱۳۵۹: ۳-۵).

۳. مبارزات درونی حزب توده در کنار وابستگی به قدرت

شوروی

این وظیفه را به عهده گرفت. پس از وقایع آذر ۱۳۲۵ روزنامه مردم به مدیریت رضا رادمنش، ارگان رسمی حزب شد. در دومین کابینه احمد قوام، اعضای حزب با نام جبهه مؤتلفه احزاب و مطبوعات آزادی خواه در سال ۱۳۲۵ موفق شدند سه کرسی وزارت را به دست آورند. بدین ترتیب که وزارت پیشه و هنر به ایرج اسکندری، وزارت بهداری به مرتضی یزدی و وزارت فرهنگ با فریدون کشاورز آغاز شد. با ترور شاه در بهمن ۱۳۲۷ و دست داشتن برخی از اعضای اصلی حزب در این عملیات، حیات سیاسی حزب پس از ۷ سال به گونه‌ای متفاوت به خطر افتاد. بر اثر راه یافتن قوای دولتی به شهرهای زنجان و آذربایجان، پیمان شکنی دولت و آغاز کشتارهای دسته جمعی به نظر می‌رسید حزب دیگر نتواند به فعالیت خود ادامه دهد (امانی، ۱۳۳۱: ۱-۳).

تحلیل همه جانبه مبارزات گذشته وظیفه‌ای است که انجام آن از جمله نیازهای تئوریک جنبش است. در سال ۱۹۲۳م در بندر انزلی حزب کمونیست ایران تشکیل شد. این حزب با جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی در رشت همزمان با برقراری دیکتاتوری رضاخانی به فعالیت محدود خود ادامه داد. با این حال، در سال ۱۳۱۰ عده‌ای از اعضای آن توسط رضاشاه بازداشت شدند. گروه ۵۳ نفر یک محفل مارکسیستی بود که مطالعه و انتشار جهان بینی مادی ماتریالیستی را هدف قرار داده بود (کیانوری، ۱۳۵۹: ۳-۵).

اغلب افراد این گروه در خارج از ایران با مارکسیسم آشنا شده بودند. تماس این گروه با عده‌ای از عناصر کارگر به منزله دست زدن به مبارزات کارگری به حساب نمی‌آمد. در آغاز تشکیل حزب توده، مهم‌ترین کمبود، کم تجربگی رهبران و مؤسسان این حزب بود که خود ناشی از نداشتن گذشته مبارزاتی و فقدان جنبش‌های سیاسی طبقه کارگر و محدودیت محفل‌های مارکسیستی در دوره اختناق بود. این

زمینه عینی قیام‌های مردمی پس از سقوط رضاشاه، بحران عمیق اقتصادی- اجتماعی بود که در اثر وابستگی قدرت حاکم به امپریالیسم به وجود آمد. از نظر سیاسی نیز آن فشار شدید که به دستگاه استبداد سلطنتی برای حفظ منابع خودش اعمال می‌کرد سبب یک نوع عکس العمل‌هایی می‌شد. به هر حال بحران چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی به طور آهسته‌ای درون حزب توده تقویت شد (مؤمنی، ۱۳۵۸: ۶). حزب توده در مهرماه ۱۳۲۰ مرام‌نامه خود را در پنج ماده به انضمام اساس‌نامه کار خود منتشر ساخت. این مرام‌نامه در کنگره اول حزب مورخ مرداد ۱۳۲۳ تنظیم شد و در دومین کنگره در اردیبهشت ۱۳۲۷ تأیید گردید. پنج اصل مرام‌نامه حزب توده به بدین شرح است:

- ۱- حزب توده ایران حزب طبقات ستمکش یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران آزادی خواه است.
- ۲- حزب توده طرفدار استقلال و تمامیت ایران است و با هرگونه سیاست استعماری مبارزه خواهد کرد.
- ۳- حزب توده طرفدار همکاری دوستانه با کلیه کشورهای آزادی خواه براساس تساوی حقوق ملل و حفظ صلح جهان است.
- ۴- حزب توده طرفدار استقرار محلی و رژیم دموکراسی واقعی است.
- ۵- حزب توده با آثار اقتصادی رژیم‌های کهنه اجتماعی مانند اقتصاد شبانی و فنودالیسم مبارزه می‌کند و طرفدار یک دستگاه اقتصادی مترقی و مبتنی بر حفظ منافع اکثریت مردم ایران است.

روزنامه ناشر افکار حزب توده ابتدا روزنامه سیاست بود. از اواخر سال ۱۳۲۱ روزنامه رهبر به مدیریت ایرج اسکندری

اولین گام تلاش کردند حزب توده را به کمک مرتدان و سازش کاران یعنی دار و دسته خلیل ملکی، از درون تسخیر کنند و برای سازش و تسلیم به امپریالیسم بکشانند. این تلاش در مقابل مقاومت مبارزان وفادار توده‌ای، مباران راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی دموکراتیک ایران، با شکستی مفتضحانه پایان یافت. حزب توده از این نبرد هم سربلند بیرون آمد و با تصفیه عناصر فرصت طلب، دار و دسته خلیل ملکی از یک سو و حادثه جویان و منفعت طلبان چپ نما از سوی دیگر، محکم تر و مصمم تر، به حیاتش ادامه داد. شکست این تلاش امپریالیسم و ارتجاع، دولت ایران را واداشت که حزب توده را غیرقانونی اعلام کند و از این رو امکان فعالیت آزادانه را از او بگیرد. نقشه غیرقانونی کردن حزب توده بخشی بود از نقشه وسیع تری برای تثبیت تسلط امپریالیستی بر سراسر زندگی اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ایران و بخش دیگر این نقشه، قانونی ساختن قرارداد واگذاری اعتبار منابع نفتی ایران به امپریالیسم انگلیس بود. حزب توده اولین سازمان سیاسی بود که ارتباط درونی این نقشه شیطانی را شناخت و افشا کرد (کیانوری، ۱۳۵۹: ۱۱-۱۲).

#### ۴. انشعاب درونی نیروی سوم در حزب توده ایران

در سال ۱۳۲۶ اختلاف داخلی حزب توده بالا گرفت. خلیل ملکی و انور خامه‌ای روی عقاید خود پافشاری می‌کردند. ملکی یکی از اعضای گروه ۵۳ نفر بود که در هیئت اعزامی به آذربایجان عضویت داشت و در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت حزب کارگر انگلیس به لندن رفته بود. ملکی در هیئت بازرسی اعزامی به کارکردهای سابق حزب توده در زمینه چپ روی و آشکار ساختن تمایلات خود نسبت به اتحاد جماهیر شوروی ایراداتی گرفته بود. خلیل ملکی پس از شکست فرقه آذربایجان نارضایتی شدید خود را از عملکرد حزب نشان داد. او بسیاری از روشنفکران و

کمبود، پایه و اساس بسیاری از کج روی‌ها و کمبودهای دیگر شد. حزب توده برای فعالیت خود قالب اساسی را در نظر گرفت و از یک برنامه دموکراتیک، جانبداری کرد. مهم‌ترین دلایل مؤسسان حزب در اعلام نکردن مرام‌نامه‌های مترقی از این قرار بود:

۱- عقب ماندگی جامعه و عدم آمادگی توده‌ها برای پذیرفتن یک برنامه مترقی تر.

۲- رعایت مصالح شوروی در جنگ جهانی دوم و نیاز به حسن رابطه با متحدین که نسبت به تشکیل یک حزب کمونیسم مستقیم و یا توسط عوامل خود عکس العمل نشان می‌دادند.

۳- مصالح جمهوری شوروی سوسیالیستی در جنگ دوم جهانی ایجاب می‌کرد که در سال‌های اولیه جنگ دوم همکاری با انگلستان و آمریکا خللی وارد نشود. امپریالیسم انگلیس به مثابه امپریالیسم حاکم در ایران متحد شوروی محسوب می‌شد و مقابله با آن مغایر مصالح اتحاد شوروی بود. تبعیت حزب توده از شوروی و عدم توجه به مسئولیت سنگین خود در به عهده گرفتن رسالت رهبری، جنبش‌رهای بخش او را به انحراف کشانید. حزب توده طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ فعالیت‌های خود را صرف امور ذیل کرد:

۱- تشکیل اتحادیه‌های کارگری و نفوذ در این اتحادیه‌ها.  
 ۲- آشنا ساختن اعضای فعال خود با جهان بینی مارکسیستی به صورت تبلیغ عقاید سوسیالیستی بین آن‌ها.  
 ۳- همکاری با عناصر لیبرال در زمینه مبارزه با دیکتاتوری و تمایلات فاشیستی که قبل از جنگ جهانی دوم و در سال‌های اولیه جنگ در ایران به چشم می‌خورد (جزنی، ۱۳۵۷: ۷/۱-۱۳).

پس از غائله آذربایجان و کردستان، امپریالیست‌های انگلیس و آمریکا تدارک حمله برای درهم شکستن حزب توده را آغاز کردند. این حمله از دو سو تدارک دیده شد. در

هنرمندان را دور خود جمع کرده بود. جلال آل احمد که مدتی سردبیری ماهنامه مردم را به عهده داشت، از جمله این افراد بود. ملکی با نشان دادن احساسات ضد شوروی و انتقاد صریح از ماجرای آذربایجان به تدریج از دیگر جوان‌ها جدا شد. او هنگامی که از هسته مرکزی حزب برانته کرد، عده قابل توجهی با او همراه شدند. ملکی و همکارانش خود را مارکسیست واقعی و صدیق اعلام می‌داشتند. ظاهراً آن‌ها تأیید شوروی و یا حداقل بی‌طرفی آنان را داشتند؛ ولی به دلایلی این انتظار بی‌جا بود. حزب توده از دولت شوروی کمک گرفت و رادیو مسکو انشعابی‌ها را مرتد اعلام کرد. آن‌گاه حزب دو روز به انشعابی‌ها فرصت داد تا به حزب برگردند. پس از جدایی خلیل ملکی از حزب، به تدریج از مارکسیسم و لنینیسم نیز روی گردانده شد. مجله علم و مجله زندگی ارگان ملکی هر دو منعکس‌کننده افکار انور خامه‌ای و ملکی بود. سرانجام پس از مدت‌ها درگیری خلیل ملکی به حزب زحمتکشان مظفر بقایی پیوست (خامه‌ای، بی‌تا: ۵۰۲-۵۰۴؛ ملکی، ۱۳۶۸: ۴۸-۵۴).

در دوره همکاری ملکی با بقایی، مطالب فقط در یک روزنامه به نام شاهد از جانب خلیل ملکی تنظیم می‌شد. رهبرانی که قبلاً با ملکی نوعی فراکسیون تشکیل داده بودند در جریان انشعاب با دیگران در یک صف قرار گرفتند و رهبری حزب که زیر ضربات شکست آذربایجان قرار داشت، شعار وحدت را در مقابل مطرح کرده و اختلافات داخلی را سرپوش گذاشت. بنابراین، شکست غائله آذربایجان و انشعاب سال ۱۳۲۶ مسائل تازه‌ای برای حزب توده به وجود آورد؛ این دگرگونی‌ها را می‌توان به صورت ذیل جمع‌بندی کرد:

۱- اگرچه حزب توده از نظر کم‌بها دادن به کیفیت ایدئولوژی خود و دنباله‌روی از شوروی و خط مشی آن حکومت، تا پایان عمر سیاسی خود، مورد انتقادی جدی

قرار گرفته بود؛ عناصری که زیر همین عناوین از آن جدا شدند، به دلیل نداشتن خصوصیات انقلابی نتوانستند نقش سازنده‌ای در جنبش کارگری ایفا کنند. در نتیجه ماهیت انشعاب به جای رفتن به سمت تکامل، گرایش به راست را انتخاب کرد.

۲- روابط بین‌المللی جنبش کارگری عامل تعیین‌کننده‌ای در تأیید یا تکفیر رهبری بود. حزب توده از این عامل برای کوبیدن انشعابی‌ها استفاده کرد. در چنین موقعیتی، جدا شدن انشعابی‌ها به منزله جدا شدن از جنبش کارگری بود. حرکت بعدی انشعابی‌ها این خصلت را به خوبی نشان داد.

۳- حزب توده زیر پرچم مبارزه با انشعابی‌ها توانست مانع بروز مبارزات سازنده در داخل حزب شود.

۴- بعد از شکست حزب توده و انشعاب افرادی از آن، واقعیت‌هایی در برابر رهبران حزب آشکار شد.

پس از شکست آذربایجان، اگرچه حزب توده غیر قانونی اعلام شد، اما خود را برای تشکیل کنگره دوم آماده می‌کرد. کنگره دوم در بهار سال ۱۳۲۷ تشکیل شد. در این کنگره اختلاف جناح‌های داخلی موقتاً سرپوش گذاشته شد. کنگره دوم، توجیه رهبری از شکست آذربایجان را تأیید کرد. توجیه رهبری حزب، تأیید بر موقعیت جهانی دوازدگانه و نیاز شوروی به ساختمان بعد از جنگ و ندادن بهانه به تعرض امپریالیسم آمریکا بود (جزئی، ۱۳۵۷: ۳۳/۱-۳۴؛ بهروز، ۱۳۸۰: ۷۸).

طبق روایت جلال آل احمد «سیدضیاءالدین طباطبایی نخست‌وزیر پس از کودتای ۱۲۹۹ در برابر حمله حزب توده خانه نشین شد. او به اعتبار کودتا تا آخر عمر همچنان مقرب الخاقان باقی ماند و به اسب و علیق قناعت کرد. حزب ایران که از نوعی لیبرالیسم بورژوا دفاع می‌کرد، یکسره شد. کلوب مقاطعه‌کاران، تنها یک حزب توده بود که در تمام مدت ندایی داد و جماعتی را به حرکت واداشت و اثری

گذاشت که بسیار خبط، خطاها و حتی خیانت‌ها بر آن مترتب بود و ما به همین دلیل در ۱۳۲۰ از آن انشعاب کردیم. آخر چرا تنها حزب توده باید میاندار وقایع ده تا دوازده ساله پس از شهریور ۱۳۲۰ باشد؟ چرا دیگر خبری نبود؟ آیا دیگر روشنفکران دوره بیست ساله همه مرده بودند؟ یا در اصل دیگر خبری نبود؟ به گمان من شاید به این دلیل که دیگر روشنفکران آن دوره بیست ساله به هر چه در آن مدت گذشته بود، رضایت داده بودند و به تسلیم یا به رضایت یا به همکاری سکوت کرده بودند. به همین دلیل است که می‌توان گفت ارزش روشنفکری تعلیم و تربیت بیست ساله پیش از شهریور با حکومت نظامی چیزی است اندکی بیش از صفر» (آل احمد، ۱۳۵۷: ۱۵۱-۱۶۳).

به نظر انور خامه‌ای ریشه‌های انشعاب را باید از همان آغاز تأسیس حزب توده و بنیاد غلطی که برای آن گذاشته شد، جست و جو کرد. از همان ابتدا عده‌ای از کادرهای حزبی حتی اعضای کمیته مرکزی از وضع حزب ناراضی و خواهان اصلاح آن بودند و بدین سان یک جناح اصلاح طلب در حزب تشکیل شد. اتکا و امیدواری این گروه، به تشکیل کنگره و اصلاح رهبری حزب بود. انور خامه‌ای در ادامه می‌گوید: «ما تصور می‌کردیم که نقص اصلی در رهبران حزب است و با تغییر آنان حزب اصلاح خواهد شد. ولی به تدریج متوجه شدیم که نقص اصلی تبعیت بی‌چون و چرای رهبری از مقامات شوروی است. همزمان با آن عده‌ای از اصلاح طلبانی که به مقامات حزبی رسیده بودند، روش خود را تغییر دادند و به رهبران قدیم پیوستند (خامه‌ای، ۱۳۷۸: ۸۷).

به تصریح انور خامه‌ای «قصد مبارزه یا رقابت با حزب توده یا مخالفت با دولت شوروی را نداشتیم. فقط می‌خواستیم مستقل باشیم. ولی رهبران حزب ما را زیر بمباران شدید تهمت و افترا گرفتند». حزب توده به جای اینکه به انتقادهای

اصلاح طلبان پاسخی منطقی و متقاعدکننده بدهد، آن‌ها را عامل امپریالیسم انگلستان و آمریکا و مزدور ارتجاع خطاب کردند و به فحاشی و ترور شخصیت منتقدان، به ویژه خلیل ملکی که سردمدار و پیشروی انشعاب‌کنندگان بود، پرداختند. بعد از انقلاب اسلامی ایران، رهبران حزبی از جمله دکتر کشاورز، ایرج اسکندری، احسان طبری و نورالدین کیانوری صریحاً اعتراف کردند که این تهمت‌ها دروغ بوده و حق با منتقدان بوده است. اصلاح طلبان تبعیت کورکورانه از شوروی را عامل اصلی نواقص و مشکلات و شکست حزب توده می‌دانستند. «متأسفانه اکثریت جوانانی که به انشعاب تن داده بودند در برابر این حملات به ویژه از طرف رادیو مسکو نتوانستند مقاومت کنند و ناگزیر انشعابیون از تشکیل سازمان جداگانه‌ای منصرف گردیدند» (انور خامه‌ای، ۱۳۷۸: ۸۸).

حزب توده از همان بدو تأسیس، آشکارا به تمجید از سیاست شوروی پرداخت و آن را افتخاری بزرگ برای خود تلقی می‌کرد. به گفته انور خامه‌ای، «بدون عراق، از لحظه پیدایش حزب تا هنگام فروپاشی در سال ۱۳۶۳ در تمام هزاران نشریه، کتاب، جزوه و اعلامیه‌ها، تراکت‌ها، شعارها، قطعنامه‌ها، سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها و هر آنچه که حزب رسماً گفته و نوشته است، یک کلمه انتقاد از شوروی و سیاست و اعمال آن نمی‌توان یافت. آنچه در متون و اعلامیه‌های حزب دیده می‌شود، فقط تحسین است و تمجید و حمله و اعتراض به کسانی که جرأت کرده و به حریم مقدس اتحاد شوروی و وطن کارگران جهان جسارت کرده باشند» (خامه‌ای، ۱۳۷۸: ۱۱۸).

حزب توده خود را موظف می‌دانست در جشن‌های رسمی شوروی مانند سالگرد انقلاب اکتبر (۷ نوامبر)، روز تأسیس ارتش سرخ و روز تولد و وفات استالین جشن بگیرد. باشگاه‌های حزب به ویژه در شمال ایران آکنده از تصاویر بزرگ استالین و رهبران شوروی و ژنرال‌های ارتش سرخ بود.

کرد، فریدون توللی از نخستین کسانی بود که آن را امضا نمود (تبریزی شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۳۴). انور خامه‌ای نیز از انشعاب سال ۱۳۲۶ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مخالف و منتقد حزب توده بود و با سیاست‌های آن مبارزه می‌کرد (خامه‌ای، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

انشعاب ناشی از اختلاف نظرات بسیار زیاد بود. شکست جنبش آذربایجان نقش مهمی در این انشعاب داشت. درگیری شدید در حزب توده بیشتر جنبه روشنفکری داشت. پس از آن بود که کمیته مرکزی سابق یک هیئت اجرایی روی کار آمد و اعلامیه‌ای صادر کرد. این اعلامیه در حقیقت توبه‌نامه‌ای بود که نسبت به تمام اقدامات مثبتی که حزب در گذشته انجام داده بود، اظهار پشیمانی کرد. ظاهراً خلیل ملکی در مورد اعلامیه فوق نقش عمده‌ای داشت. دکتر اپریم هم در زمره انشعاب‌کنندگان بود. به نظر مؤمنی، «انشعاب اگرچه لطمه زیادی به حزب توده نزد ولی بعد از انشعاب حزب تا آمد به خودش بجنبید در بهمن ماه ۱۳۲۷ و در پی ترور شاه در دانشگاه تهران غیر قانونی اعلام شد». (مؤمنی، ۱۳۵۸: ۷۸-۷۹). شماری خود را قهرمان ضد انشعاب معرفی می‌کردند؛ در حالی که دقیقاً در موضع انشعاب بودند. به عنوان نمونه، قاسمی که بعداً به عنوان قهرمان مبارزه با انشعاب معروف شد، فردی بود که از نظر فکری و برداشت‌هایش کم و بیش در همان موضع انشعاب بود. این‌ها اغلب با هم بودند یا با کیانوری همفکری داشتند (مؤمنی، ۱۳۵۸: ۹۰).

به عبارتی دیگر انترناسیونال در نزد حزب توده و توده‌ای‌ها به معنای توجه خاص به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود. مهندس علوی که از کمونیست‌های قدیمی و معتقد به دولت شوروی بود، در زندان به مؤمنی گفته بود که «شوروی‌ها همیشه به ما می‌گویند که این شما هستید که در مورد مملکت خودتان باید به ما ایده بدهید» (مؤمنی،

استفاده از نفوذ ارتش سرخ و دولت شوروی در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی و تحمیل چند نماینده به مردم نواحی شمال کاملاً نمایان بود. قبلاً نمایندگان فراکسیون توده این واقعیت را انکار می‌کردند ولی امروز با وجود اسناد، تحمیلی بودن آن نمایندگان به جز تقی فداکار نماینده حزب در اصفهان بر همگان مسلم است (خامه‌ای، ۱۳۷۸: ۱۱۹). حمایت از تقاضای کافتارادزه معاون وزارت خارجه شوروی که متقاضی امتیاز نفت شمال بود و راه پیمایی حزب توده در دفاع از واگذاری این امتیاز تحت حمایت سربازان شوروی در تهران موجب شد برخی از تظاهرکنندگان از صفوف آن خارج شده و خواستار استعفای جمعی از روشنفکران حزب شوند (خامه‌ای، ۱۳۷۸: ۱۲۰). وقتی میرجعفر باقروف رهبر آذربایجان شوروی دستور تشکیل فرقه دموکرات و انحلال کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان را صادر کرد، بلافاصله این کمیته الحاق خود را به فرقه اعلام کرد و کمیته مرکزی حزب توده هم مهر تأیید بر آن زد. این در حالی بود که این اقدام مخالف اساسنامه حزب توده بود (خامه‌ای، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

انشعاب در سال ۱۳۲۶ با رهبری خلیل ملکی انجام گرفت. ارگانی علت انشعاب را به شکست فرقه دموکرات آذربایجان مربوط می‌داند. بعد از شکست سید جعفر پیشه‌وری، اغلب اعضای کلیدی کمیته مرکزی همچون ایرج اسکندری، احسان طبری و کامبخش، متواری یا به خارج از کشور رفتند. در آن شرایط، انتقادات تند و تیزی علیه رهبری حزب مطرح می‌شد و تنها کسی که در آن زمان صلاحیت رهبری حزب را داشت، خلیل ملکی بود. اما پس از مدتی که اوضاع آرام شد و بازداشت‌ها خاتمه یافت، سر و کله افراد متواری و مخفی پیدا شد و اختلافات شدت گرفت (پنج گلوله برای شاه، گفت و شنود محمود تربتی سنجابی با عبدالله ارگانی، ۱۳۷۸: ۸۲). وقتی خلیل ملکی اعلامیه انشعاب را صادر

- به کوشش جمعی از پژوهشگران، حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی ۱۳۲۰-۱۳۶۸، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷.

- پوریا، اسرلان، کارنامه مصدق و حزب توده، تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.

- جامی، بی‌نام، گذشته چراغ راه آینده است، تهران: ققنوس، ۱۳۹۸، چاپ دوازدهم.

- جزنی، بیژن، تاریخ سی ساله ایران، ج ۱، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۷.

- طبری، احسان، کژ راه: خاطراتی از حزب توده ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸، چاپ پنجم.

- طهوری، عبدالرحیم، سرایی بنام حزب توده ایران، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۸.

- فرمانفرمایان، مریم فیروز، خاطرات، تهران: دیدگاه، ۱۳۷۳.

- کشاورز، فریدون، من متهم می‌کنم، تهران: رواق، ۱۳۵۷.

- کیانوری، نورالدین، حزب توده ایران و دکتر مصدق، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۹.

- گفت و شنود محمود تربتی سنجایی با عبدالله ارگانی، پنج گلوله برای شاه، تهران: خجسته، ۱۳۸۱، چاپ دوم.

- مؤمنی، باقر، درباره مسائل جنبش و حزب توده، تهران: پیوند، ۱۳۵۸.

- همایون کاتوزیان محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، تهران: مرکز، ۱۳۷۴، چاپ پنجم.

- همایون کاتوزیان، محمدعلی، خاطرات سیاسی خلیل ملکی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷، چاپ چهارم.

۱۳۵۸: ۹۹). انور خامه‌ای که در رأس انشعاب حزب توده قرار داشت گروهی مارکسیست را سازمان داده تا با حزب توده رقابت و پیکار کند. روزنامه این گروه به نام حجار منتشر شد (پوریا، ۱۳۹۷: ۴۱۰).

## ۵. نتیجه‌گیری

بنا به آنچه گفته شد، به دلیل فقدان یک رهبری واحد، تحمیل و اجرای نظرات گوناگون اختناق شدیدی در داخل حزب به وجود آمد. مهم‌ترین دلیل انشعاب در حزب توده وابستگی این حزب به اتحاد جماهیر شوروی بود. استقلال میهن پرستان که این امر را درک کرده بودند و نمی‌خواستند کمونیست باقی بمانند، امری مهم در فروپاشی هسته اولیه حزب بود. آن‌ها به دلیل میهن دوستی، آزادی خواهی و ملی‌گرایان شان بود که به حزب توده گرایش پیدا کرده بودند. لذا با گرایش‌های سوسیالیستی و کمونیستی اعضای حزب از آن جدا شدند و خود را نیروی سوم نامیدند.

## کتابنامه

- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، ۱۳۹۴، چاپ بیست و سوم.

- آل احمد، جلال، در خدمت و خیانت روشنفکران، ۲ جلد، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۷.

- امانی، هاشم، درباره محاکمات سیاسی (۵۳ نفر)، تهران: محبوب، ۱۳۳۱.

- امیر خسروی، بابک، نقدی بر خاطرات نورالدین کیانوری، تهران: دیدگاه، ۱۳۵۷.

- انور خامه‌ای، فرهنگ، سیاست و تحول اجتماعی: برگزیده‌ای از مصاحبه‌ها و مقالات، تهران: شرکت چاپخش سهامی خاص، ۱۳۷۸.

- انور خامه‌ای، فرصت بزرگ از دست رفته، تهران: هفته، ۱۳۶۳، چاپ دوم.

- بهروز، مازیار، شورشیان آرمان خواه: ناکامی چپ در ایران، تهران: ققنوس، ۱۴۰۰، چاپ هفدهم.